

اسناد بسیار مهمی که همیش رفت

گوشت به گربه منتظر رسید

امیرفیض-حقوقدان

آقای دکترعباس میلانی همین روزها گفتگویی داشت با حسین مهری درباره اسناد بسیارمهمی که نزد جناب اردشیرزاهدی بوده و اسناد مزبوربوسیله آقای میلانی تحویل دانشگاه استانفورد آمریکا شده است.

فصل مشبیهی از اظهارات آقای میلانی در مورد اهمیت و مقدار اسناد مزبور بود ایشان چندین بار از اسناد مزبور با عنوان (بسیار، بسیارمهم) یاد و از همت والای جناب زاهدی هم در اهدای آنها به دانشگاه تقدیر و تحسین کرد.

در باب اهمیت این اسناد ایشان چند بار تاکید کرد که بدون توجه به اسناد مزبور هرگونه قضاوت نسبت به روابط سیاسی آمریکا وشاه وبرعکس در دهه آخر حکومت شاه غافلگیرانه محسوب میشود. اسناد مزبور تاکنون در هیچ جا منتشر نشده است و آنها نشان میدهد که حقیقت سیاست آمریکا نسبت به شاه و برعکس تاچه اندازه حساس و چالش گریز بوده است.

بخش مهمی از این اسناد با قلم و خط آقای زاهدی نوشته شده و متقابلا اعلیحضرت هم پاسخ زاهدی را با دستخط خودشان داده اند.

آقای میلانی دلیل این امر را محرمانه بودن مکاتبات آقای زاهدی وشاه اعلام کرد وتوضیح داد که یک صندوق (صندوق که نمیشود شاید مقصودشان کیف دیپلماتیک باشد) با دوکلید که یکی نزد شاه و دیگری نزد آقای زاهدی بوده نامه ها در این کیف رد و بدل میشده وبا آنکه آقای زاهدی سکرتر معتبری داشته معهدا از این روش برای فاش نشدن مکاتبات استفاده میشده.

آقای میلانی علت اینهمه مخفی کاری را چنین توضیح داد که در یکی از میهمانی های رسمی یکی از کارمندان کادر ریاست جمهوری آمریکا در حال مستی به آقای



این نمونه کیف دیپلماتیکی بود که برای رد و بدل کردن اسناد بین وزیر امور خارجه و جناب زاهدی با شاهنشاه بکار میرفت. ح-ک

زاهدی میگوید کاخ سفید از اعلام رمز سفارت ایران مطلع است. از آن زمان تدبیر استفاده از کیف دستی و دستخط جریان یافت ولی در مواردی که لازم بود آمریکا در جریان مسائلی قرارگیرد، مانند سابق از کد سفارت استفاده میشود.

آقای میلانی تعداد بسته های این اسناد را ۹۴ صندوق که ۸۰ صندوق آن آثاری است که تاکنون در هیچ جا دیده نشده و مربوط به دهه آخر سلطنت شاه و با دست شاه و زاهدی نوشته شده میباشد و سه جعبه تصاویر است که کمتر دیده شده و شاید هم دیده نشده باشد.

آقای میلانی برای سومین بار در همین گفتگو تاکید کردند که «قضاوت درباره آقای زاهدی، قضاوت در مورد آمریکا و روابطش با شاه برای هر که میخواهد قضاوت دقیق بکند باید بعد از خواندن این اسناد باشد».

در مورد اینکه آیا ممکن است که ایرانیها هم از آن اسناد استفاده تحقیقی بکنند (سوال حسین مهری) آقای میلانی گفت: «در یک مقطع امیدوارم که بخش مهمی از آن را بگذاریم در دسترس عموم».

آقای میلانی گفت: «من از ده سال قبل مطلع شدم که این اسناد گرانبها نزد آقای زاهدی است از بخشی از آنها هم در کتاب "شاه" استفاده کرده ام و دو سال بطول انجامید که جریان انتقال همه آنها به دانشگاه استنفورد ممکن شود اکنون این اسناد در راه است و تا چند روز دیگر به دانشگاه خواهد رسید».

در ضمن آقای میلانی این توجه را هم دادند که نیکسون و کسینجر با آنکه بسیار به شاه اطمینان داشتند ترتیبی داده بودند که از مکاتبات شاه با سفارت مطلع بشوند.

دست آورد از اظهارات آقای میلانی

★ اظهارات آقای میلانی درباره تلاش و علاقه آمریکا به استراق سمع و آگاهی از جریانات محرمانه کشورها با واقعیت های موجود کاملا منطبق است و حتی در همین سالها با وجود اعتراضات کشورها و رهبران آنها فعالیت آمریکا در استراق سمع و ضبط مکالمات رهبران و حتی افراد عادی هم ادامه دارد.

در این ماجرا نمیتوان قائل شد که آمریکا و دستگاه اطلاعاتی آن کشور از وجود کل اسناد آگاه نبوده ولی دسترسی به آن نیاز به برنامه ریزی داشته است و آمریکا نمیخواسته به زور از آن استفاده کند و کلید آسانی که در دست دارد جایش را به اقداماتی که زنده بشمار میرود بدهد.^۱

★ کلید این معما آقای میلانی بوده است که هم بعنوان محقق ایرانی شهرت دارد و هم سابقه رفت و آمد و دوستی با جناب زاهدی را داشته و کتاب "شاه" ایشان نتیجه همین مأموریت هاست.^۲

★ آقای میلانی آنطور که خودشان گفته اند اولین کسی بوده اند که از وجود این اسناد مطلع میشوند البته نمیفرمایند که چگونه اولین کسی بوده اند ولی معلوم است که اولین ایرانی بوده اند که از طریق سازمان های اطلاعاتی آمریکا به این آگاهی رسیده اند.

^۱ - پیشتر با قلم استاد امیرفیض خوانده ام کسی بنام تیمسار مخاطب رفیعی که مدتی در پست سرپرستی اداره رمز وزارت امور خارجه و سپس در راس دفتری در سفارت شاهنشاهی در واشنگتن بود جاسوس آمریکایی ها بوده و بسیاری از اسناد را بدون نیاز به استراق سمع یا کشف رمز بصورت کپی به آمریکایی ها میداده است. ح-ک

^۲ - اگر کسی کتاب "شاه" نوشته میلانی را خوانده وظیفه دارد نوشته انتقادی در آن باره را حتما بخواند. از جاوید ایران درخواست کنید. ح-ک

ایشان موفق میشوند که جناب زاهدی را به طرح خودشان مبنی بر واگذاری این اسناد به دانشگاه استنفورد ترغیب و موافق سازند در تشبیه یعنی گوشتی را که سالها آقای زاهدی از آن حفاظت کرده اند راست و حسینی با واسطه دانشگاه استنفورد تقدیم سازمان اطلاعاتی آمریکا بنمایند.

دانشگاه مزبور با آن اسناد چه خواهد کرد؟ ابتدا اسناد به کنترل و بازرسی مامورین اطلاعات وزارت خارجه آمریکا میرسد تا آنچه از اسناد که افشای آن مترصد منافع آمریکا و سیاست جاری این کشور نباشد از دسترسی عموم برکنار ماند. این روش معمول همه کشورها و بیشتر آمریکاست که تحت عنوان مصلحت ملی برخی اطلاعات و اسناد از انتشار و یا دسترسی عمومی برکنار میگردد.

آقای میلانی به حقیقت مزبور واقف است که میگوید: بخشی از آن اسناد ممکن است در دسترس عموم قرارگیرد یعنی آن بخشی که **بمنفع شاه ایران و به ضرر آمریکا یعنی اثبات مراتب دخالت**

آمریکا در شورش ۵۷ است در اختیار عموم قرار نخواهد گرفت و اجرای این مهم با آقای میلانی

و یا دانشگاه نیست بلکه با وزارت خارجه آمریکا و دستگاه های اطلاعاتی ان کشور است.

نتیجه گیری

البته که اسناد مزبور بسیار، بسیار مهم است (نقل قول آقای میلانی) ولی این مهم بودن تا وقتی است که اسناد تحت کنترل دانشگاه و سازمان های اطلاعاتی آمریکا قرار نگرفته باشد این اسناد بعد از غربال شدن بوسیله سازمان های سیاسی و اطلاعاتی آمریکا فاقد صفت مهم بودن میشود و برعکس سبب گمراهی بیشتر هم خواهد شد. اهل تحقیق میدانند که حذف یک سند از یک جریان میتواند بکل نتیجه تحقیق را معکوس کند.^۳

چه کسی میتواند قبول کند که دولت آمریکا که در دهه آخر سلطنت شاه تاحدودی از دسترسی به اسناد مبادله شده بین شاهنشاه و زاهدی محروم بوده در این روزگار که سیاست حساسی را با جمهوری اسلامی دول میرود به سرکشی و گاهی از آن اسناد علاقمند و برنامه ریزی نکند و یا این اسناد در جهت های خاصی مورد معامله با جمهوری اسلامی از جهت فاش شدن اسرار قرار نگیرد؛ آیا اهمیت این اسناد برای آمریکا از استراق سمع میلیاردها انسان بیکاره کمتر است؟

چه کسی میتواند قبول کند که بهترین فرد ایرانی برای اینکه این اسناد از اختیار آقای زاهدی و در نهایت مردم خارج گردد همین چریک پیشین؛ شخص آقای عباس میلانی بوده است.

دانشگاه استنفورد بعد از غربال شدن اطلاعات آن نامه ها بوسیله سازمان های متعدد آمریکا با آن نامه ها چه خواهد کرد، معلوم است که نخاله های غربال شده را همانطور که آقای میلانی گفته است به اینترنت برای استفاده عموم! خواهند داد.

دانشگاه این عمل یعنی انتقال متن اسناد به اینترنت را چگونه انجام خواهد داد؟ پاسخ روشن است بوسیله کارمندانی که به اینترنت و کامپیوتر تخصص دارند، خوب جرا این کار را خود آقای زاهدی انجام ندادند و

^۳ - در بین این اسناد ممکن است سند یا سند هایی باشد که حتی با وجود حضور رژیم آخوندی در کشور ما به ضرر کشور ما بهره برداری شود و یا به ضرر کسانی باشد که زنده هستند و به ترتیبی به حیثیت خانوادگی یا جانی آنان خطر آفرین بشود. اگر کسی فیلم «افعی» که در سال ۱۹۷۱ با شرکت یول برینر و درک بوگارد و وو درست شده و شرح داستان پنهانده شدن یک افسر اطلاعاتی شوروی در فرانسه به آمریکا و مسئله خلبان یو-۲ که در شوروی زندانی بود را دیده باشد پی به این نکته حساس خواهد برد. ح-ک

با استخدام موقت یکی دوفرتام مطالب اسناد را به سایت مخصوصی انتقال که بعد از اتمام کار، در دسترس عموم قرار میگرفت. این کار میتوانست حتی بوسیله کارمندی که فارسی و حتی انگلیسی هم نمیدانست انجام شود که از بروز برخی احتمالات هم جلوگیری میشد.

این کار نه نیازی به آقای دکتر میلانی داشت نه دانشگاه ونه آگاهی و دخالت سازمان های اطلاعاتی آمریکا ونه هزینه های سنگین انتقال ۹۴ صندوق از اروپا به آمریکا و مسافرت ها وغیره وبهرصورت دانشگاه استانفورد هم از آن اسناد از طریق اینترنت استفاده میکرد با این تفاوت که اسناد از فیلتر سازمان اطلاعاتی آمریکا رد نمیشد.

حاشیه = یک وقت تصمیم داشتیم که تمام نمرات سنگر را به اینترنت منتقل کنم که قابل استفاده همگان باشد بایک کمپانی خدمات کامپیوتری تماس گرفتم و پاسخ گرفتم که بله ما با استفاده از یک دستگاه اسکن جدید وقوی این کار را در محل خود شما در چند روز انجام خواهیم داد..... (پایان حاشیه).

★ آقای دکتر میلانی خیلی راحت میتوانست آقای زاهدی را راهنمایی کند که اهمیت این اسناد و ارتباط آن با منافع ملی ایران اجازه نمیدهد که آنها مستقیما به خارجیانی که درشورش ۵۷ نقش ویران کننده ای داشته اند به امانت سپرده شود این عمل مانند امانت سپردن گوشت به گربه است ولی با سکوت وتشویق آقای زاهدی امانتی که سالها محفوظ مانده بود و کسی هم از آن اطلاعی نداشت تحویل گربه مترصد ربودن آن اسناد دادند.

غفلت از حیرت

در پایان این تحریر نمیتوانم از بیان این حیرت غفلت کنم که چرا باید اعلیحضرت فرزند شاهنشاه که از نظر قانونی وحتى نسبی مسئولیتی درمورد آن اسناد داشته اند در چنان موقعیتی قرار داشته باشند که هرتصمیم و کاری که با میراثهای سیاسی و اعتباری شاهنشاهی ایران که در دو قدمی ایشان است انجام میگردد بی تفاوت باشند.

